

پیگرد جنایات گروه های تکفیری در محاکم بین المللی؛ راهکار مقابله با تروریسم تکفیری

پیگرد جنایات گروه های تکفیری در محاکم بین المللی؛ راهکار مقابله با تروریسم تکفیری

حمید رضا قنبری نژاد اصفهانی^[1]

چکیده مقاله:

راهکارهای عبور از بحران معمولاً گزینه هایی چند بعدی دارند. در موضوع عبور از بحران تروریسم تکفیری، از جمله ابعادی که در کنار دیگر ابعاد (نظامی، سیاسی و...) دارای نقش حیاتی است بعد حقوقی و به عبارت دقیق تر تبیین و بررسی ابعاد پیگرد حقوقی جنایات گروه های تکفیری است. با عنایت به عمق جنایات و اقدامات افراطی گروه های تکفیری در طی سالیان اخیر، عمده ترین سؤالی که می تواند قویاً اذهان و افکار عمومی را به سمت خود جلب کند این است که آیا در راستای برون رفت از بحران تروریسم تکفیری، نهادی در چارچوب نظامات بین المللی موجود وجود دارد که اعضاء این گروه ها را تحت تحقیق و محاکمه قرار دهد؟ چنان چه پاسخ به سؤال مذکور مثبت باشد سؤال دیگر آن است که در چارچوب نظام کیفری بین المللی چه ساز و کارهایی می تواند عهده دار راهبری هدف مذکور شود؟ در پاسخ به این سؤالات باید گفت پس از تأسیس دیوان کیفری بین المللی (ICC) در سال 2002 این امکان به خوبی در سطح بین المللی فراهم گردیده که تمامی مرتکبین جنایات بین المللی، در هر سمت و جایگاهی که باشند مورد تعقیب، محاکمه و مجازات قرار گیرند. با نگاهی به اقدامات صورت گرفته از سوی گروه های تکفیری می توان گفت، از 4 موضوعی که دیوان خود را صالح به رسیدگی بدان ها دانسته، به طور مشخص در 3 موضوع می توان اقدامات این گروه ها را مورد پیگرد قرار داد؛ این موارد عبارتند از: «نسل کشی»، «جنایات علیه بشریت» و «جنایات جنگی». پرداختن به این موضوع از آن جهت ضرورت دارد که در راستای تحقق آموزه ی همگرایی جهان اسلام و امت اسلامی، تبیین و تحلیل ادله و ابعاد پیگرد گروه های تکفیری در محاکم بین المللی از یک سو و متعاقب آن مهیا سازی بستر اقدامات عملی (مبتنی بر همکاری افراد و

نهاد هاي ذي صلاح) از دگر سو، تأثير به سزايي در توقف رفتار مجرمانه و بازدارندگي و پيشگيري از تکرار فجایع صورت گرفته به همراه خواهد داشت.

واژگان کلیدی: گروه هاي تکفيري، ديوان کيفري بين المللي، نسل کشي، جنايات عليه بشریت، جنايات جنگي، مجازات

Prosecution of crimes Excommunicating groups in the international courts

approach to deal with Excommunicating terrorism

Abstract:

With regard to the crimes Excommunicating groups in recent years, the most important question that can strongly attracted the attention of public opinion, is whether the existing international framework, institutional there The members of these groups as a war criminal pursuing and the trial?

In response to this question must be said that, after the establishment of the International Criminal Court in 2002 made it possible, as well as at the international level provided that all perpetrators of international crimes, in any direction and position are prosecuted, tried and punished fall.

Looking at the measures taken by excommunicating groups can be said, from the 4 to the competent Court to review it and consider, in particular in the 3 categories can be prosecuted for the actions of these groups, that are cases : genocide, crimes against humanity and war crimes.

The present article will try, first, to explain the reasons and dimension the criminal prosecution of Excommunicating groups and secondly, the quality of cooperation with other countries in this field to examine.

Keywords: Excommunicating groups, the International Criminal Court, genocide, crimes against humanity, war crimes, punishment

مقدمه

فرقه سازي و ايجاد درگيري هاي درون ديني و درون مذهبي سياسي است که سال هاست از سوي نظام سلطه جهت براندازي و ناکارآمد نشان دادن دولت هاي مستقل اسلامي، در دستور کار قرار گرفته است؛ با اين توضيح که اين نظام به جاي تمرکز بر روي گزينه هاي نظامي و استفاده از «قدرت خارجي سخت»، تاکتيک اصولي خود در تقابل با دولت هاي مستقل را در کنار «جنگ نرم»، «متلاشي ساختن فيزيکي از درون» تشخيص داده که مهم ترين ابزار آن اختلاف افکني بين آحاد یک ملت،^[2] یک مذهب و يا یک دين است. در واقع بر اساس اين تاکتيک، نظام هاي مستقل از داخل با بحران عدم توانايي اداره ي امور و عدم مشروعيت و به عبارت دقيق تر «حقاني نبودن» مواجه شده و آرام آرام به سمت اضمحلال پيش خواهند رفت. البته بديهي است موفقيت چنين سياسي در گرو حمايت هاي مستقيم و غير مستقيم نظام سلطه و بازیگران منطقه اي آن است؛ که اين موضوع را به خوبي مي توان در تحولات ميداني عراق و سوريه مشاهده نمود.

اما در واکاوي دليل اصلي سنگ اندازي در مسير حرکت دولت هايي همچون سوريه و عراق به اين نتيجه خواهيم رسيد که پس از موج بيداري اسلامي در منطقه ي شمال آفريقا و خاورميانه، از طرف برخي کشورهاي غربي که نگران از دست دادن موقعيت خود در اين منطقه بودند تلاش فزاينده اي جهت مصادره و بعضا انحراف اين حرکت ها از مسير اصلي صورت گرفت؛ که مصداق بارز مصادره ي یک انقلاب را مي توان در

از سوی دیگر یکی از اقداماتی که می توانست در این اوضاع و احوال شرایط را به نفع نظام سلطه رقم زند سوار شدن بر موج حاصل از فضای بیداری اسلامی و توسعه ی آن به سمت کشورهای بود که سیاست هایشان همسو با این نظام نیست؛ که اولین قربانی این فضا سازی کشور سوریه بود.

پس از ناکامی هایی این نظام در سوریه و شکست سناریوهای متعددی که در قالب چندین اجلاس موسوم به «دوستان سوریه» و... بر آن تحمیل شد، این بار نوبت به کشور عراق رسیده است؛ کشوری که اکثریت جمعیت آن را شیعیان تشکیل داده و به جهت دارا بودن بیشترین زیارت گاه های ائمه(ع) کانون توجه شیعیان جهان است.

نظام سلطه به خوبی دریافته که برای تضعیف روحیه ی «مقاومت اصیل اسلامی» لازم است در وهله ی اول دو بال پرواز شیعه را از او باز ستاند؛ یعنی شهادت و اعتقاد به مهدویت، که اولی باعث ایستادگی آرمانی شده و دومی جریان امیدبخش برای پیمودن راه است.

این صرفاً یک نظر شخصی نیست؛ بلکه باور است که غرب به آن رسیده و در بیان بسیاری از نظریه پردازان غربی واگویی شده است. «فرانسیس فوکویاما» [31] (یکی از بزرگ ترین نظریه پردازان حال حاضر آمریکا) در کنفرانسی در سال 1986م در اورشلیم تحت عنوان «بازشناسی هویت شیعه» که توسط صهیونیست ها برگزار شد می گوید: «شیعه پرنده ایست که افق پروازش خیلی بالاتر از تیرهای ماست. پرنده ای که دوبال دارد: یک بال سبز و یک بال سرخ. بال سبز این پرنده همان مهدویت و عدالتخواهی اوست. چون شیعه در انتظار عدالت به سرمی برد، امیدوار است و انسان امیدوار هم شکست ناپذیر است. شما نمی توانید کسی را تسخیر کنید که مدعی است فردی خواهد آمد که در اوج ظلم و جور، دنیا را پر از عدل داد خواهد کرد. بال سرخ شیعه، شهادت طلبی است که ریشه در کربلا دارد و شیعه را فنا ناپذیر کرده است».[41]

با این وصف در حال حاضر عمده تلاش جهان غرب تضعیف جریان اصیل اسلامی و تقویت فرقه های ساختگی و جریان هایی است که ضمن نشان دادن چهره ای کریه و خشن از اسلام، مطیع سیاست های ملوکانه ی نظام سلطه بوده و علاوه بر آن با اقدامات جنایت باری نظیر آنچه در سوریه و عراق شاهد بوده و هستیم عرصه را بر کشورهای که زیر بار زیاده خواهی های این نظام نمی روند تا حد امکان تنگ تر نمایند.

«گروه های تکفیری» [51] و در رأس آن «داعش» دقیقاً با چنین رویکردی پا به عرصه ی حیات گذارده اند؛ کما این که پیش از آن نیز «طالبان» این وظیفه را بر عهده داشتند (داستان جنایات علیه مسلمانان در فلسطین، بوسنی، کوزوو، میانمار، یمن، جنایات گروه «بوکوحرام» در نیجریه و... نیز خود شرح حالی

مفصل دارد که این مقال را مجال پرداختن بدان نیست).

در این راستا آن چه می تواند به هدف راهبردی کشورها و ملت های آزاده مبدل گردد مقابله ی اصولی با رواج چنین تفکراتی است و طبعاً برای نیل بدین هدف، مهم ترین اقدام در هر جامعه ای (اعم از داخلی و بین المللی) علاوه بر تلاش در جهت محدود نمودن و نهایتاً از بین بردن زمینه های اقدامات مجرمانه و جنایت کارانه، مجازات قاطع مرتکبین جرم است؛ که این خود تأثیر به سزایی در توقف رفتار مجرمانه و بازدارندگی خواهد داشت و از این منظر، ضرورت پرداختن به موضوع حاضر به وضوح احساس می شود.

مخلص کلام این که آثار زیان بار عدم همکاری در جهت مقابله با گروه های تکفیری و از آن بدتر تقویت و تجهیز این گروه ها توسط برخی دولت های منطقه می تواند روزی گریبان گیر خود آن ها نیز شده و لذا لازم است این دولت ها طی یک همگرایی منطقه ای تمام تلاش خود را معطوف مقابله با جنایات سازمان یافته ی این گروه ها و همکاری جهت پیگرد و مجازات آنان نمایند.

بر این اساس در کنار عدم حمایت های مادی و معنوی از جریانات تکفیری، همکاری منطقه ای در جهت استرداد و محاکمه ی این جنایت کاران در محاکم صالحه (محاکم داخلی و یا بین المللی) می تواند نمود بارز و بهترین جلوه ی یک همگرایی منطقه ای در جهت پایان بخشی به اقدامات گروه های تکفیری باشد (که کیفیت آن در بخش های بعدی بیان خواهد شد).

با عنایت به آن چه بیان شد، سوال اصلی این مقاله آن است که چگونه می توان از رهگذر محاکمه ی مرتکبین جنایات گروه های تکفیری، به برون رفت از بحران سازی های موجود و برقراری صلح و امنیت در سطوح منطقه ای و بین المللی همت گماشت؟

لازم به ذکر است رویکرد این مقاله در صورت تحقق فرضیه ای است که بر مبنای آن دیوان کیفری بین المللی صلاحیت خود را در زمینه ی پیگرد گروه های تکفیری در دیوان بپذیرد؛ که با توجه به عمق جنایات صورت گرفته و ادله ی موجود در این زمینه، در صورت ارجاع پرونده به دیوان، پیگرد گروه های تکفیری در دیوان کاملاً اصولی و منطبق با موازین حقوقی به نظر می رسد.

گفتنی است «شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد»، «کمیته بین المللی صلیب سرخ» و برخی سازمان های معروف غیر دولتی بین المللی مانند «دیده بان حقوق بشر» در گزارش های متعددی ارتکاب جنایت توسط داعش را تأیید کرده اند؛ که این امر می تواند به عنوان دلیل محکمی بر ورود دیوان به قضیه، مورد توجه قرار گیرد.^[6]

با چنین رویکردی مقاله‌ی حاضر تلاش خواهد نمود اولاً به تبیین ادله و ابعاد پیگرد کیفری گروه‌های تکفیری پرداخته و ثانیاً کیفیت همکاری کشورهای جهان در این زمینه را مورد بررسی قرار دهد.

1- بررسی صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی جهت پیگرد جنایات گروه‌های تکفیری

نظر به عمق جنایات گروه‌های تکفیری و به ویژه داعش در طی سالیان اخیر، عمده‌ترین سؤال که می‌تواند قویاً اذهان و افکار عمومی را به سمت خود جلب کند این است که آیا در چارچوب نظام بین‌المللی موجود، نهادی وجود دارد که اعضاء این گروه‌ها را به عنوان جنایت‌کار جنگی تحت تعقیب و محاکمه قرار دهد؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت تا پیش از تأسیس «دیوان کیفری بین‌المللی» [71] تعقیب و مجازات مرتکبین جنایات بین‌المللی (و گروه‌هایی همچون گروه‌های تکفیری و از جمله داعش) بسیار مشکل و در اکثر موارد دور از ذهن بود؛ چرا که تا این زمان در چارچوب نظام ملل متحد، فقط دو دادگاه بین‌المللی برای رسیدگی به جرائم و جنایات ارتکاب یافته در یوگسلاوی سابق و رواندا تشکیل شده بود؛ [81] لکن پس از تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی در سال 2002 این امکان به خوبی در سطح بین‌المللی فراهم گردید که تمامی مرتکبین جنایات بین‌المللی، در هر سمت و جایگاهی که باشند مورد تعقیب، محاکمه و مجازات قرار گیرند.

البته دیوان بر اساس آن چه در اساسنامه‌ی آن بیان گردیده، در حال حاضر صلاحیت ورود به هر جرم بین‌المللی را نداشته و صرفاً صلاحیت رسیدگی به جرائم خاصی را داراست که عبارتند از: نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و تجاوز.

با نگاهی به اقدامات صورت گرفته از سوی گروه‌های تکفیری می‌توان گفت، از 4 موضوعی که دیوان خود را صالح به رسیدگی بدان‌ها دانسته، به طور مشخص در 3 موضوع می‌توان اقدامات این گروه‌ها را مورد پیگرد قرار داد؛ که شرح مختصر آن در ذیل بیان خواهد شد:

در ماده ي 6 اساسنامه ي ديوان کيفري بين المللي که مي توان آن را بازنويسي ماده II «کنوانسيون منع و مجازات جرم نسل کشي» [9] دانست، از جمله مصاديق نسل کشي «کشتن اعضاي يک گروه ملي، قومي، نژادي يا مذهبي» بيان شده است.

با توجه به اين که گروه هاي تکفيري و در حال حاضر داعش، صراحتاً از جمله اهداف اصلي و راهبردي خود از جنايات و کشتار بيرحمانه اي که طي ماه هاي اخير در حال وقوع است را مقابله و از ميان برداشتن شيعيان و تفکرات شيعي بيان داشته اند مي توان اين هدف را در چارچوب «کشتن اعضاي يک گروه مذهبي» قرار داده و به عنوان يکي از مصاديق نسل کشي از طرف ديوان مورد پيگرد قرار داد.

اين گروه حتي در اين راه تا بدان جا پيش رفته که اعلام نموده است يکي از اهداف هدف عاليش تخریب مضجع شريف امام حسين(ع) به عنوان سمبل ايستادگي شيعه است.

لازم به ذکر است براي تحقق جرم نسل کشي لزوماً نيازي به گستردگي عمليات و کشتن جمعيتي معيني به نيست؛ بلکه حتي کشتن يک نفر به قصد و انگيزه ي از بين بردن کلي يا جزيي يک گروه مذهبي هم مي تواند عناصر اين جرم را کامل نموده و جرم را محقق سازد. [10]

2-1- جنايات عليه بشریت

ماده ي 7 اساسنامه ي ديوان کيفري بين المللي مجموعاً 11 مورد از اقدامات ضدبشري را در زمره ي جنايات عليه بشریت قرار داده که با توجه به رويه ي داعش مي توان به گونه اي کاملاً مشخص اين گروه را مشمول اين فقره دانست.

از جمله ي اين موارد «قتل» است؛ با اين توضيح که قتل زماني مي تواند به عنوان يکي از جرائم عليه بشریت محسوب شود که در قالب حمله اي گسترده و به گونه اي سيستماتيک و برنامه ريزي شده، در راستاي پيگيري سياست يک دولت يا گروه سازماندهي شده ارتکاب يابد.

چنان که ملاحظه مي گردد بر خلاف نسل کشي که مي توانست حتي با کشتن يک نفر هم – با قصد و انگيزه ي از بين بردن کلي يا جزيي يک گروه – محقق شود، اين جا اعمال مجرمانه اي که شخصي به صورت انفرادي

انجام می‌دهد و یا عملیات سیستماتیک که مثلاً یک قربانی را در برگیرد، جنایت علیه بشریت محسوب نمی‌شود.

به هر روی اقدامات متعدد داعش در چارچوب این جرم نیز به گونه‌ای واضح و مبرهن مطرح بوده و تصاویر و گزارش‌های متعددی در رسانه‌های جمعی در مورد قتل‌های دسته‌جمعی سیستماتیک این گروه وجود داشته که می‌تواند مسؤولیت این گروه را از این زاویه مطرح سازد.

بند (c) 2 ماده 7 یکی دیگر از مصادیق جنایات علیه بشریت را «به بردگی گرفتن» دانسته است.

البته اگر بخواهیم معنای کلاسیک بردگی را در نظر آوریم به گونه‌ای صریح و واضح نمی‌توان اقدامات داعش و دیگر گروه‌های تکفیری را جرم یا جنایت به حساب آورد؛ چون بردگی عبارتست از خرید، فروش، اجاره دادن و یا معاوضه‌ی زنان و کودکان و دیگر اشخاص، که به انگیزه‌های مختلفی صورت می‌گیرد. لکن این گروه و دیگر گروه‌های تکفیری اخیراً با استفاده‌ی ابزاری از آموزه‌های دینی و تحریف مسلمات قرآنی سعی در ترویج نوعی «بردگی جنسی» در پوشش دین داشته و از نهاد خودساخته‌ای تحت عنوان «جهاد نکاح» جهت ارضای نیازهای نیروهای خود بهره‌ی فراوانی برده‌اند.

واقعیت این است که جهاد نکاح نوعی بردگی جنسی نوین به شمار آمده و چنانچه بخواهیم اهداف متعالی برشمرده شده در راستای لغو بردگی را در نظر آوریم مسلماً این گونه اقدامات را می‌توان نمونه‌ی بارز بردگی و از زشت‌ترین انواع آن به شمار آورد.

البته شعبه‌ی بدوی دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق نیز در رابطه با احصاء مؤلفه‌های به بردگی گرفتن، از جمله مصادیق آن را «فحشاء» ذکر نموده است؛^[11] که شاید بتوان گفت ترویج فحشاء در قالب تحریف آموزه‌های دینی زشت‌ترین حالت ممکن در این رابطه باشد.

در بند (e) 2 ماده 7 اساسنامه‌ی دیوان نیز از «شکنجه» به عنوان یکی دیگر از مصادیق جنایات علیه بشریت یاد شده است. دیوان در این بند شکنجه را این گونه تعریف می‌نماید: «ایراد عمدی درد یا رنج شدید، اعم از جسمی یا روحی، علیه شخصی که در بازداشت یا تحت کنترل متهم قرار دارد».

از دیگر مصادیق جنایات علیه بشریت که در این ماده مورد توجه قرار گرفته «تخریب محیط زیست» است؛ که با توجه

با این وصف همان گونه که در مستندات متعدد مشاهده گردیده و اسناد، تصاویر و فیلم‌های آن بر

روي شبکه هاي مختلف پخش شده است مواردی همچون بریدن سر افراد در حالتی که زنده اند، تنبیهات شدید بدنی (حتی در مورد کودکان خردسال) و... از مصادیق بارز شکنجه محسوب گردیده و لذا از این بعد نیز امکان پیگرد داعش در دیوان وجود خواهد داشت.

3-1- جنایات جنگی

از منظر اساسنامه ی دیوان (که در ماده ی 8 منعکس شده است) جنایات جنگی به طور خلاصه عبارتست از عدم توجه و رعایت مقررات مندرج در کنوانسیون های مربوط به حقوق بشر دوستانه و به طور خاص کنوانسیون های چهارگانه ی ژنو (1949) و پروتکل های الحاقی (1977) در رابطه با کیفیت برخورد با غیر نظامیان و نیز کنوانسیون های لاهه (1907) با موضوع عدم به کارگیری سلاح های ممنوعه و مواردی از این دست.

این فقره نیز در جنایات صورت گرفته از جانب داعش قویا نادیده گرفته شده و مواردی همچون کشتار دسته جمعی اسرا و کسانی که سلاح خود را زمین گذاشته اند، کشتار زنان و کودکان، مثله کردن اعمال شنیع علیه شرافت شخصی، رفتار تحقیرکننده و مواردی از این دست که همگی از مصادیق جنایات جنگی به شمار می روند در کارنامه ی این گروه به چشم می خورد.

از دیگر مواردی که در اساسنامه ی دیوان تحت عنوان جنایات جنگی ملحوظ واقع گردیده «حمله به آثار تاریخی» است که ارتکاب این فقره نیز به کرات در اقدامات گروه های تکفیری مشهود است.

2- نحوه ی ارجاع پرونده به دیوان کیفری بین المللی

در این رابطه لازم است نهادهای ذیصلاح؛ یعنی هر یک از دول عضو دیوان،^[12] یا دادستان دیوان^[13] و یا شورای امنیت سازمان ملل متحد^[14] در اقدام حقوقی عاجل و به دور از بازی های سیاسی، با به جریان انداختن این پرونده با رویکردی حقوقی، نقش خود در زمینه ی برقراری صلح و امنیت بین المللی را به گونه ای شایسته ایفا نمایند.

البته لازم به ذکر است کشوری می تواند با ارجاع وضعیت به دادستان دیوان از وی تقاضای رسیدگی

کند که اساسنامه ي ديوان را پذيرفته باشد و از آن جايي که کشور عراق هنوز به عضويت اساسنامه ي ديوان در نيامده ممکن است اين موضوع به ذهن متبادر شود که امکان مراجعه به ديوان براي عراق وجود نخواهد داشت، لکن اين موضوع لطمه اي به آن چه بيان شد نخواهد زد؛ چرا که ترتيبات همکاري اين کشور با ديوان در ماده ي 12 اساسنامه (و ديگر مواد آن) بيان گرديده و طبق اين ماده کشور عراق مي تواند با سپردن اعلاميه اي نزد رئيس دبیرخانه، اعمال صلاحيت ديوان را نسبت به جنايت مورد نظر پذيرد.

همچنين دادستان ديوان کيفري بين المللي و نيز شوراي امنيت سازمان ملل متحد (همزمان يا به صورت جداگانه) مي توانند بر اساس وظيف خود در اين زمينه اقدام به پيگرد پرونده ي مطروحه نمايند.

3- کيفيت مجازات گروه هاي تکفيري در چارچوب ديوان کيفري بين المللي

سؤال عمده اي که در اين قسمت مي تواند مورد توجه قرار گيرد آن است که در صورت محاکمه ي گروه هاي تکفيري، کيفيت مجازات هايي که براي افراد اين گروه (اعم از سرکردگان، نيروهاي در اختيار و تجهيز کنندگان) ممکن است در نظر گرفته شود چگونه خواهد بود؟

در اين رابطه بايد گفت ديوان کيفري بين المللي نيز همچون بسياري از نظام هاي حقوقي داخلي، بين مباشرت و معاونت و برخي موارد ديگر تفکيک قائل شده و طبعاً براي مباشرين مجازات هاي سنگين تري را در نظر گرفته است.

ماده ي 25 اساسنامه ي ديوان بيان مي دارد اولاً اين ديوان فقط به جرائم «اشخاص حقيقي» رسيدگي مي نمايد و بنا بر اين اشخاص حقوقي (مثل دولت، گروه، سازمان و مواردی از اين دست) در حوزه ي صلاحيتي ديوان قرار نمي گيرند و ثانياً به موجب ماده ي 26 اساسنامه ي ديوان، صرفاً آن دسته از اشخاص حقيقي مورد پيگرد ديوان قرا مي گيرند که داراي 18 سال سن به بالا باشند که اين موضوع در مورد داعش نيز مي بايست مورد توجه قرار گيرد.

بنا بر اين امکان پيگرد شخصيت حقوقي به نام داعش در ديوان وجود نداشته و صرفاً مي توان تک تک افراد بالاي 18 سال اين گروه تکفيري را با استناد به رفتارهاي مجرمانه ي تحت صلاحيت ديوان، تحت تعقيب و محاکمه قرار داد. با اين وصف، طبق مفاد ماده ي 25 اساسنامه، ديوان مي تواند افراد فوق الذکر را در صورت حصول يکي از صور چهارگانه ي ذيل مورد پيگرد قرار دهد:

1 . در ارتکاب یکی از جرائم داخل در صلاحیت دیوان مباشرت داشته باشند؛

2 . شروع به ارتکاب این جرائم نموده باشند؛

3 . در آن ها شرکت یا معاونت داشته باشند؛

4 . در ارتکاب جرم توسط گروهی از اشخاص که دارای هدفی مشترکند نقش داشته باشند.

4- مجازات هر یک از مباشرین، معاونین یا شرکت کنندگان در جرم

باید گفت با توجه به این که هنوز رویه ی چندانی در این باره وجود ندارد نمی توان نظر قاطعی در این باره داد و فقط می توان بر این امر تأکید نمود که تشخیص و تعیین میزان مجازات منوط به نظر اکثریت قضات دیوان است؛ لکن بر اساس رویه ی محاکم قبلی (مثل یوگسلاوی سابق و رواندا) در صورت اثبات جرائمی مثل نسل کشی، دیوان حداکثر مجازات (حبس ابد) و یا حبس های طویل المدت را برای مرتکبین در نظر خواهد گرفت و برای سایر موارد حبس های کوتاه مدت تر، ضمن آن که معاونت در جرم مجازات خفیف تری به همراه خواهد داشت.

البته گروه های تکفیری در موارد متعددی مرتکب تعدد جرم هم گردیده اند؛ مثلاً برخی اقدامات صورت گرفته می تواند هم مصداق جنایات علیه بشریت قرار گیرد و هم مصداق جنایات جنگی. این در حالیست که در حقوق داخلی برخی کشورها (و از جمله ایران) تعدد جرم باعث اجرای مجازات اشد می گردد. لکن دیوان کیفری بین المللی موضع روشنی در برابر «تعدد جرم» – به مفهومی که در کشور ایران و دیگر کشورهای نظام حقوق نوشته وجود دارد – اتخاذ ننموده و به نظر می رسد آن را نپذیرفته است. البته در ماده 78 اساسنامه این گونه آمده است که: «در مواردی که محرز شده محکوم علیه بیش از یک جرم مرتکب شده است، دیوان موظف است برای هر یک از جرائم مذکور مجازات جداگانه و برای همگی آن ها یک مجازات کلی که مبین جمع مدت حبس ها باشد تعیین نماید...». لذا باید هر جرم به صورت مجزا مورد توجه قرار گرفته و در مورد آن مجازات مقرر در نظر گرفته شود.

لازم به ذکر است به جهت ملاحظات حقوق بشری، در حال حاضر مجازات اعدام در زمره ی مجازات های احصاء شده در دیوان قرار نداشته و سنگین ترین مجازات همان حبس ابد است.^[15]

5- نقش کشورهای جهان در مقابله با جریان های تکفیری

اساسنامه ی دیوان کیفری بین المللی علیرغم این که در دیباچه ی خود مسئولیت اصلی مجازات و کیفردهی به جنایت کارانی همچون اعضاء گروه های تکفیری را متوجه دولت ها نموده است، در ادامه و در سطحی گسترده تر خواستار تلاش و همکاری بین المللی در این زمینه شده است.

البته کشورهای همسایه ی عراق و سوریه در ارتباط با دیوان به 2 گونه می توانند متصور شوند: کشورهای عضو اساسنامه ی دیوان و کشورهای غیر عضو اساسنامه.

دیوان علاوه بر این که در مواد 86 تا 93 اساسنامه (موضوع فصل نهم؛ تحت عنوان: همکاری های بین المللی و همیاری های قضایی) تکالیف متعددی را برای کشورهایی که عضو اساسنامه اند، در رابطه با فراهم نمودن مقدمات محاکمه ی گروه های تکفیری برشمرده است، برای آن دسته از کشورهایی که به عضویت اساسنامه در نیامده اند نیز تکالیف متعددی را برشمرده است.

به موجب بند 5 ماده ی 87 اساسنامه دیوان، دادگاه می تواند از هر یک از کشورهایی که عضو اساسنامه ی دیوان نیستند تقاضای کمک و همکاری نماید.

عدم همکاری این کشورها با دادگاه تا بدان حد از نظر دیوان مسئولیت زاست که در بند 6 ماده ی 87 بیان می دارد عدم همکاری با دیوان می تواند به اطلاع مجمع کشورهای عضو و عند الزوم شورای امنیت نیز برسد (البته در صورتی که موضوع توسط شورای امنیت ارجاع شده باشد).

از جمله تکالیفی که در این رابطه می تواند بر عهده کشورهای همسایه ی عراق و سوریه قرار گیرد تسلیم یا استرداد اعضای گروه های تکفیری است و در این رابطه فرقی میان دولت های عضو و غیر عضو اساسنامه وجود ندارد؛ چرا که در بند 1 ماده ی 89 بیان می گردد: «دادگاه می تواند درخواستی مبنی بر دستگیری و تسلیم شخص... به هر کشوری که این شخص ممکن است در قلمرو آن پیدا شود ارسال نماید...».

جمع بندي و نتيجه گيري

از مجموع آن چه بيان شد مي توان اين گونه نتيجه گيري نمود که با عنايت به گستره و کيفيت اقدامات صورت گرفته از سوي گروه هاي تکفيري، ادله ي ارجاع پرونده ي جنايات اين گروه ها به ديوان کيفري بين المللي کامل بوده و در جهت نيل به اهدافي که در مقدمه بيان شد، لازم است هرچه سريع تر مقدمات محاکمه ي مرتکبين جنايات ياد شده از سوي ديوان فراهم گردد.

مسئله تحقق اين مهم نيازمند عزم جدي جامعه ي بين المللي (دولت ها و سازمان هاي بين المللي ذي صلاح) و مقامات ذي صلاح (دادستان ديوان) و هماهنگي کامل ايشان در اين رابطه است.

اين در حاليست که مع الأسف برخي از دولت ها نه تنها همکاري يا اقدام مؤثري جهت مقابله با جريان هاي تکفيري صورت نداده اند، بلکه حتي اقدام به تجهيز اين جريان ها (از طريق اعطاي کمک ها و تسهيلات مالي، آموزش و...) نیز نموده اند و در چنين فضايي لزوم همکاري ديگر کشورهاي منطقه بيش از پيش احساس مي شود.

البته برخي از حاميان منطقه اي و فرامنطقه اي اين گروه ها اخيرا در مواضع خود سعي دارند به گونه اي خود را از اين جريانات جدا سازند؛ لکن بايد گفت واقعيت هاي موجود هيچ گاه از حافظه ي تاريخ محو نخواهد شد.

به هر حال آنچه مسلم است اين که تا حمايت هاي مستقيم و غير مستقيم برخي دولت هاي مرتجع منطقه وجود نداشته باشد امکان بقاء و تداوم حيات جريان هاي تکفيري وجود نخواهد داشت و جالب اين جاست که اين دولت ها منکر هرگونه همکاري با جريانات ياد شده هستند. در پاسخ به اين ادعا فقط مي توان به ذکر اين بيت پر مغز و شيوا از جناب سعدي شيرازي بسنده نمود که:

«اميدوار	بود	آدمی	به	خير
کسان				مرا به خير تو
اميد نيست شر مرسان»				

[12]. ر.ک: بیانات حضرت آیت الله خامنه ای در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی در سال 1391.

(<http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=21966>)

3. Yoshihiro Francis Fukuyama

<http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=1469744>.

[5]. گروه های تکفیری به گروه هایی اطلاق می شود که با تفاسیر شخصی و برداشت های ناروا از آموزه های دینی و نیز طرح شعارهای جدایی طلبانه و تفرقه افکنانه سعی در تحریف دین، مقابله با تفکر ناب اسلامی و نیز ترسیم جلوه ای خشن از اسلام در نزد جهانیان دارند.

5. <http://www.irna.ir/fa/NewsPrint.aspx?ID=81215644>

6. International Criminal Court (ICC).

[8]. لازم به ذکر است پس از پایان جنگ جهانی اول (1945.م) نیز دو محکمه ی «توکیو» و «نورنبرگ» با هدف محاکمه و مجازات مقامات دول مغلوب تشکیل گردید؛ که طی آن چندین نخست وزیر، وزیر امور خارجه، وزیر جنگ و مقامات عالیرتبه ی نظامی، محاکمه و مجازات شدند که در این میان – فارغ از حبس های طویل المدت – فقط 19 مورد حکم اعدام به چشم می خورد.

[9]. مصوب نهم دسامبر 1948 مجمع عمومی سازمان ملل متحد.

[10]. میر محمد صادقی، حسین، دادگاه کیفری بین المللی، تهران: دادگستر، 1392، ص 93.

10. ICTY, Kunarac and Others, Paras 242-243.

(ر.ک: میر محمد صادق، حسین، همان، ص 114).

[\[12\]](#). به موجب ماده 14 اساسنامه دیوان.

[\[13\]](#). به موجب ماده 15 اساسنامه دیوان.

[\[14\]](#). به موجب فصل هفتم منشور ملل متحد و ماده 13 اساسنامه دیوان.

[\[15\]](#). ر.ک: ماده 77 اساسنامه دیوان کیفری بین المللی.